The Effects of Syllabus-based General English Language Teaching on Learning English Language Motivation, Attitude and Self-efficacy in Students of Birjand University of Medical Sciences

Mohsen Ayati[1], Mohammad Akbari Boring[2], Fereshteh Paydar[3], Sorayya Rodi Aliabadi[3]

Background and Aim: One of the goals of learning the English language is communication with others. But despite the fact that Iranian students have been learning languages for many years, few are successful in acquiring relative skills in the English language. The aim of the present study is to investigate the effects of syllabus-based English language teaching on students' English language motivation, attitude and self-efficacy.

Method: This study is conducted using an exploratory mixed methods approach. Of the 202 students of Birjand University of Medical Sciences who selected general language course, thirty medical students were selected through convenience sampling. Data was gathered using Gardner's questionnaire on attitude and motivation in learning English and Wang's questionnaire on self-efficacy in learning English. The quantitative analysis was done through paired t and the qualitative analysis was performed via qualitative and interpretive content analysis based on Heidegger's model including three steps of open, centralized, and axial coding steps.

Results: The results obtained from the quantitative data showed that the general English course has no effect on students' English language motivation, attitude and self-efficacy. analyzing the qualitative data revealed that students overall believed that the general English course has not any effect on English language motivation, attitude, and self-efficacy.

Conclusion: According to the results, it seems that the teaching methods, design and planning of the English language course and the methods of evaluation and implementation of it require a fundamental change. Considering the key role of the professor, attention to the ability of the professors of the English language course is necessary.

Keywords: English Language Teaching; Medical Students; Motivation and Attitude; Self-Efficacy.

Journal of Birjand University of Medical Sciences. 2018; 25 (Supplementary: Medical Education): 93-106.

Received: December 14, 2017 Accepted: May 22, 2018

[1] ***Corresponding Author;*** *Department of Education and Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran*
Tel: 09155612561 Fax: 05632202412 E-mail; mayati@birjand.ac.ir
[2] *Department of Education and Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran*
[3] *Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran*

مقاله اصیل پژوهشی

تأثیر آموزش درس زبان عمومی طبق سرفصل مصوب بر انگیزش- نگرش و خودکارآمدی یادگیری زبان انگلیسی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

محسن آیتی[1]، محمد اکبری بورنگ[2]، فرشته پایدار[3]، ثریا رودی علی‌آبادی[3]

چکیده

زمینه و هدف: یکی از هدف‌های یادگیری زبان انگلیسی، ایجاد ارتباط با دیگران است. اما با وجود این که دانشجویان ایرانی طی سال‌های متوالی به یادگیری زبان می‌پردازند، تعداد کمی از آنان موفق می‌شوند، در زبان انگلیسی مهارت نسبی کسب کنند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش زبان انگلیسی عمومی طبق سرفصل مصوب بر انگیزش- نگرش و خودکارآمدی زبان انگلیسی دانشجویان انجام شده است.

روش تحقیق: روش پژوهش ترکیبی و از نوع تبیینی است. از بین ۲۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند که درس زبان عمومی را انتخاب کرده بودند، تعداد ۳۰ نفر (از رشته پزشکی) به عنوان نمونه و به روش دردسترس انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه انگیزش- نگرش یادگیری زبان خارجی گاردنر فرم کوتاه و پرسشنامه خودکارآمدی در یادگیری زبان انگلیسی وانگ جمع آوری شد. تحلیل کمی با t زوجی و تحلیل داده‌های کیفی به شیوه تحلیل محتوای کیفی و تفسیری بر اساس مدل هایدگر، شامل سه مرحله کدگذاری باز، متمرکز و محوری انجام شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از داده‌های کمی نشان داد که درس زبان عمومی بر انگیزش- نگرش و خودکارآمدی زبان انگلیسی دانشجویان تأثیری نداشته است. تحلیل داده‌های کیفی نیز نشان داد که درمجموع دانشجویان بر این باور بودند که درس زبان عمومی بر انگیزش- نگرش و خودکارآمدی زبان انگلیسی آنان مؤثر نبوده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به نظر می‌رسد روش تدریس، طراحی و برنامه‌ریزی درس زبان انگلیسی و روش‌های ارزشیابی و اجرای آن به تغییری اساسی نیاز دارد. با توجه به نقش کلیدی استاد، توجه به توانمندسازی اساتید درس زبان ضرورت می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان انگلیسی؛ دانشجویان علوم پزشکی؛ انگیزش- نگرش؛ خودکارآمدی

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۱۳۹۷؛ ۲۵ (ویژه‌نامه آموزش پزشکی): ۹۳-۱۰۶.

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱

[1] **نویسنده مسؤول؛** گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

آدرس: بیرجند- میدان شهدا- خیابان دانشگاه- پردیس شهدا- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

تلفن: ۰۹۱۵۵۶۱۲۵۶۱ نمابر: ۰۵۶۳۲۲۰۲۴۱۲ پست الکترونیکی: mayati@birjand.ac.ir

[2] گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

[3] دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

مقدمه

امروزه نیاز به یادگیری زبان انگلیسی بر کسی پوشیده نیست و متخصصین تعلیم و تربیت درصددند تا با ارائه راهکارهای مناسب، به بهبود کیفیت آموزش در این زمینه کمک نمایند. بدیهی است که لازمه یادگیری مطلوب، شناسایی مؤلفه‌های مهم مرتبط با یادگیری است.

بسیاری از دانشجویان، زبان انگلیسی را آموزش می‌بینند؛ ولی فقط تعداد کمی آن را در حدّ مطلوب می‌آموزند. این عامل را شاید بتوان به انگیزه ربط داد. انگیزه کلید یادگیری است (۱). در واقع انگیزه تأثیر مستقیمی بر یادگیری زبان انگلیسی دارد (۲). از نظر Gardner و Tremblay (۱۹۹۴)، در مدل‌های اجتماعی- تربیتی یادگیری زبان، انگیزش یک متغیّر پنهان است که از تمایل به یادگیری زبان، نگرش به یادگیری و شدّت انگیزش تشکیل شده است (۳). به نظر می‌رسد که عامل انگیزش، حداقل به اندازه استعداد زبان، در یادگیری زبان‌های خارجی نقش دارد (۴). Gardner و Lambert (۱۹۷۴) انگیزش را به‌عنوان نگرش‌ها، تمایلات و تلاش تعریف کرده‌اند (۵). Galloway و همکاران (۱۹۹۶) در پژوهش خود سه نوع سبک انگیزشی درک زبان انگلیسی را از هم متمایز کردند که عبارت‌اند از: درماندگی آموخته‌شده، انگیزه خودارزشی و جهت‌گیری تسلط که فراگیران در مواجهه با یک تهدید درک‌شده در مقابل شکست در یادگیری از خود نشان می‌دهند. این سبک‌های انگیزشی، ناسازگار هستند و بیشتر محصول موقعیت‌های فردی یادگیری است که از فرد حمایت می‌کند (۶).

علاوه بر انگیزش- نگرش، خودکارآمدی نیز به‌عنوان یک مؤلفه مهم در یادگیری درس زبان انگلیسی مطرح است. خودکارآمدی جنبه حیاتی انگیزش است و رفتار بین افراد و نیز میزان تغییر خودکارآمدی را پیش‌بینی می‌کند (۷). خودکارآمدی ریشه در نظریه شناختی-اجتماعی Bandura دارد. در این نظریه، فرآیندهای شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار آدمی دارد. فرآیندهای شناختی معیوب، موجب ادراکات نادرست از کارآمدی خود می‌شود و این ادراکات می‌تواند به اضطراب فرد منجر شود (۸). Choi (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داد، افرادی که دارای خودکارآمدی زبان انگلیسی و انگیزه برای یادگیری زبان هستند، اضطراب کمتری از خود نشان می‌دهند (۹).

تسلط به زبان انگلیسی از ضروریات است؛ چون دسترسی به منابع علمی و پژوهشی و آخرین دست‌آوردهای فناوری و استفاده از آن‌ها، از طریق تسلط به زبان انگلیسی امکان‌پذیر است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که شناسایی عوامل مرتبط با یادگیری این زبان، لازم و ضروری است تا بدین‌وسیله گامی در جهت شناسایی عوامل مرتبط با یادگیری این زبان برداشته شود. از جمله عواملی که انتظار می‌رود باعث ارتقای انگیزه فراگیران برای یادگیری شود و همچنین نگرش مثبت نسبت به درس در آنان ایجاد کرده و درنهایت سطح خودکارآمدی آنان را افزایش دهد، روش‌ها و برنامه آموزشی است که عملاً در کلاس درس به‌کار گرفته می‌شود. در زمینه زبان انگلیسی و عوامل مرتبط با یادگیری این زبان، تحقیقات زیادی صورت گرفته است (۲، ۱۰-۱۲)؛ اما کمتر به بررسی نقش آموزش درس زبان عمومی در انگیزش- نگرش و خودکارآمدی و اینکه چگونه می‌توان آموزش درس زبان عمومی را به سمتی سوق داد که سبب انگیزه و خودکارآمدی بیشتر و نگرش مطلوب‌تر در فراگیران این درس شود، پرداخته شده است.

با توجه به اهمیت انگیزش- نگرش و خودکارآمدی در یادگیری درس زبان عمومی، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر درس زبان عمومی بر انگیزش- نگرش و خودکارآمدی زبان انگلیسی دانشجویان، طراحی و تدوین شده است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا آموزش زبان عمومی بر انگیزش- نگرش و خودکارآمدی دانشجویان تأثیرگذار است؟ در این رابطه توجه به اهمیت زبان انگلیسی برای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی نیز اهمیت می‌یابد؛چرا که بسیاری از منابع درسی این دانشجویان، ارتباط تنگاتنگ با دانش زبان انگلیسی

داشته و نیز پس از فارغ‌التحصیلی، این دسته از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به‌طور مرتب با متون نگاشته شده به زبان انگلیسی روبرو هستند. بنابراین آموختن زبان و داشتن انگیزش- نگرش و خودکارآمدی در این زمینه برای آنان اهمیت کاربردی ویژه‌ای دارد و این پژوهش با قصد مطالعه در این جمعیت دانشگاهی انجام شده است. در این رابطه، فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از:

۱. آموزش درس زبان انگلیسی عمومی، بر انگیزش- نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی تأثیر دارد؛
۲. آموزش درس زبان انگلیسی عمومی، بر خودکارآمدی دانشجویان نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی تأثیر دارد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و هدف مطالعه، پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نوع ترکیبی (تبیینی) است. ابتدا مرحله کمّی پژوهش اجرا گردید؛ سپس در مرحله دوم برای غنای یافته‌های حاصل از بخش کمی، مرحله کیفی اجرا شد. فلسفه روش تحقیق ترکیبی این است که هم نقاط ضعف روش کمی و هم نقاط ضعف روش کیفی را بپوشاند و نتایج مورد اعتمادتری را به ارمغان بیاورد؛ بنابراین در این پژوهش برای به دست آوردن یافته‌های متقن، از هر دو نوع پژوهش کمی و کیفی استفاده شد.

مرحله کمی پژوهش شبه‌آزمایشی از نوع تک‌گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در رشته‌های مختلف پیراپزشکی، پزشکی و دندانپزشکی در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بود که درس زبان انگلیسی عمومی را انتخاب کرده بودند. نمونه مورد بررسی، از بین دانشجویان رشته پزشکی که در نیمسال اول درس زبان عمومی (انگلیسی) را در برنامه خود داشتند، انتخاب شدند. به‌منظور بررسی دقیق‌تر و همگنی افراد نمونه، دانشجویانی که در زمان گذراندن این درس در داخل و بیرون از دانشگاه به یادگیری زبان مشغول بودند (در مؤسسات و کلاس‌های خارج از برنامه مصوب)، از نمونه حذف شدند که درنهایت تعداد نمونه به ۳۰نفر رسید. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه‌های خودکارآمدی زبان انگلیسی و انگیزش- نگرش نسبت به زبان انگلیسی استفاده شد.

الف) پرسشنامه خودکارآمدی زبان انگلیسی: پرسشنامه خودکارآمدی زبان انگلیسی به‌وسیله Wang (۲۰۱۴)، برای اندازه‌گیری خودکارآمدی زبان انگلیسی دانشجویان EFL طراحی شده است. در این پرسشنامه ۳۲ سؤال وجود دارد که قضاوت دانشجویان را در مورد توانایی آنها در زبان انگلیسی مورد پرسش قرار می‌دهد. چهار خرده‌مقیاس در این پرسشنامه معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از: خودکارآمدی گوش‌دادن، خودکارآمدی صحبت‌کردن، خودکارآمدی خواندن و خودکارآمدی نوشتن. سؤالات در یک طیف ۷ ارزشی از یک (قطعاً نمی‌دانم) تا ۷ (قطعاً می‌توانم) طراحی شده و دانشجویان به ۳۲ گویه طراحی‌شده پاسخ می‌دهند (۱۳).

در پژوهش حاضر، پایایی کل پرسشنامه ۰/۹۸ و برای خرده‌مقیاس گوش‌دادن و خواندن ۰/۹۳، نوشتن ۰/۹۱ و صحبت‌کردن ۰/۹۲ به‌دست آمد. ویژگی‌های رواسنجی نسخه فارسی، توسط رضایی شریف و همکاران سنجیده شده است. در مطالعه یاد شده، ابتدا نسخه انگلیسی ترجمه و سپس با روش ترجمه معکوس، به انگلیسی مجدّد برگردانده شده است. روایی صوری با اجرا بر روی ۵۰ نفر نمونه و سؤال از اشکالات سؤالات و گویه‌ها بررسی شده است. روایی محتوایی با بهره‌گیری از نظر متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسی سنجیده شده و در نهایت تحلیل عاملی اعمال شده است. در نهایت، مجموع شاخص‌ها حاکی از تأیید ابزار است (۱۴).

ب) پرسشنامه انگیزش - نگرش به زبان خارجی: در این پژوهش، از پرسشنامه انگیزش- نگرش یادگیری زبان خارجی Gardner (۱۹۸۵) استفاده شده است. این پرسش‌نامه

از مجموعه آزمون انگیزش- نگرش یادگیری زبان خارجی Gardner اقتباس شده است و ۳۷ گویه دارد که برای اندازه‌گیری چهار عامل: نگرش اهمیت یادگیری زبان خارجی، انگیزه والدین برای یادگیری زبان خارجی فرزندان، انگیزش گرایش نسبت به یادگیری زبان خارجی و نگرش به خاستگاه زبان مورد نظر، طراحی شده است (۱۵). دوردی‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی، روایی و پایایی بالایی برای این ابزار گزارش کرده است. در نتایج حاصل از محاسبه تحلیل عاملی تأییدی، چهار عامل شناسایی شده است. که نگرش درباره اهمیت زبان، نگرش والدین نسبت به یادگیری زبان فرزندان، نگرش نسبت به سخنگویان بومی و انگیزه گرایشی نسبت به یادگیری زبان را اندازه‌گیری می‌کنند. پایایی این ابزار نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۷ به‌دست آمده است (۱۶). در پژوهش حاضر، پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۸ و برای خرده‌مقیاس نگرش اهمیت یادگیری زبان خارجی ۰/۸۲، انگیزه والدین برای یادگیری زبان خارجی فرزندان ۰/۷۳، انگیزش گرایش نسبت به یادگیری زبان خارجی ۰/۶۹ و نگرش به خاستگاه زبان خارجی ۰/۸۱ به‌دست آمد. به‌منظور تحلیل داده‌های کمّی، از آزمون t زوجی استفاده شد.

مرحله کیفی پژوهش از نوع پدیدارشناسی بود. به‌منظور انجام مرحله کیفی پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. حجم نمونه به شیوه اشباع نظری، ۲۲ نفر برآورد شد که این تعداد، از بین دانشجویانی که در مرحله کمی مورد بررسی قرار گرفته بودند، انتخاب و از آن‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد. در این پژوهش برای مصاحبه با دانشجویان گروه آزمایش، از پرسشنامه بازپاسخ با دو سؤال به شرح زیر استفاده شد:

۱) تدریس استاد و فعالیت‌های انجام‌شده در کلاس تا چه حد باعث افزایش انگیزش نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی شده است؟

۲) تدریس استاد و فعالیت‌های انجام‌شده در کلاس، باورهای مثبت شما را در مورد یادگیری درس زبان انگلیسی ارتقا داده است؟

داده‌های مرحله کیفی به شیوه تحلیل پدیدارشناختی تفسیری (IPA)[1]، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل پدیدارشناختی تفسیری، یک تحلیل کیفی است که تلاش می‌کند از طریق ورود به ذهنیت و ساختارهای آگاهی به لایه‌های ژرف معنایی، تجربه‌های زیسته و زنده‌کنشگران در خصوص یا در راستای یک رخداد، پدیده یا مفهوم دست یابد (۱۷). در این تحلیل، بین Husserl و Heidegger در خصوص روش‌شناسی انجام کار، تفاوت وجود دارد. تحلیل مطالعه حاضر با توجه به هدف، با دیدگاهی نزدیک به دیدگاه Heidegger انجام شد؛ چرا که در دیدگاه Heidegger داده‌ها به‌ویژه از طریق قابلیت بازتابشگری پژوهشگر به سخن واداشته می‌شوند. فرآیند تحلیل از طریق غوطه‌وری در متن و شناسایی و استخراج مقوله‌های معنایی- قصدی از داده‌ها و مشاهده‌های بازتابشی پژوهشگر (کدگذاری باز)، شناسایی الگوهای اتصال معنایی (کدگذاری متمرکز) و استخراج مفهوم‌های هسته‌ای (کدگذاری محوری) انجام شد و درنهایت بر این مبنا، تفسیر هرمنوتیکی[2] معنی یا قصدمندی انجام شد.

یافته‌ها

در بخش کمی تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، به‌منظور بررسی تأثیر درس زبان عمومی بر انگیزش- نگرش دانشجویان، از آزمون T-test زوجی استفاده شد. نتایج نشان داد که بین انگیزش- نگرش زبان دانشجویان قبل و بعد از گذراندن درس زبان عمومی تفاوتی وجود نداشت (جدول ۱).

به‌منظور بررسی تأثیر درس زبان عمومی بر خودکارآمدی دانشجویان نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی (عمومی) نیز از آزمون T-test زوجی استفاده شد. نتایج نشان داد، بین خودکارآمدی آموزش زبان انگلیسی دانشجویان قبل و بعد از گذراندن درس زبان عمومی تفاوتی وجود نداشت (جدول ۲).

[1] *Interpretative phenomenological analysis (IPA)*
[2] *Hermeneutic*

جدول ۱- آزمون T-test زوج به‌منظور بررسی تأثیر درس زبان عمومی بر انگیزش- نگرش زبان انگلیسی دانشجویان

زمان آزمون	زمان آزمون		T	Sig
	قبل از گذراندن کلاس (انحراف‌معیار±میانگین)	بعد از گذراندن کلاس (انحراف‌معیار±میانگین)		
نگرش اهمیت یادگیری زبان خارجی	۴۶/۵۶±۴/۹۶	۴۶/۰۳±۶/۸۲	۰/۵۱۰	۰/۶۱۴
انگیزه والدین برای یادگیری زبان خارجی فرزندان	۲۱/۰۹±۳/۳۸	۲۰/۴۷±۴/۹۰	۰/۷۲۴	۰/۴۷۵
انگیزش گرایش نسبت به یادگیری زبان خارجی	۱۶/۱۲±۲/۸۴	۱۵/۷۲±۳/۵۵	۰/۶۴۵	۰/۵۲۴
نگرش به خاستگاه زبان خارجی	۱۳/۹۷±۳/۲۰	۱۳/۲۲±۳/۸۸	۱/۲۷۴	۰/۲۱۲
انگیزش و نگرش به زبان خارجی	۱۱۳/۲۸±۱۱/۷۹	۱۱۰/۵۹±۱۶/۳۷	۱/۱۱۲	۰/۲۷۵

جدول ۲- بررسی تأثیر آموزش درس زبان انگلیسی (عمومی) بر خودکارآمدی دانشجویان نسبت به درس زبان انگلیسی

متغیّر	زمان آزمون		T	Sig
	قبل از گذراندن کلاس (انحراف‌معیار±میانگین)	بعد از گذراندن کلاس (انحراف‌معیار±میانگین)		
خودکارآمدی گوش‌دادن	۳۸/۷۸±۷/۵۶	۳۷/۰۳±۸/۹۸	۰/۹۷۰	۰/۳۴۰
خودکارآمدی صحبت‌کردن	۳۹/۱۹±۸/۸۸	۳۹/۲۸±۷/۷۹	-۰/۰۵۶	۰/۹۵۵
خودکارآمدی خواندن	۳۱/۷۸±۶/۷۳	۳۰/۸۱±۶/۴۶	۰/۷۳۳	۰/۴۶۹
خودکارآمدی نوشتن	۳۴/۴۴±۷/۰۲	۳۴/۹۷±۶/۷۵	-۰/۳۶۹	۰/۷۱۴
خودکارآمدی آموزش زبان انگلیسی	۱۴۸/۸۴±۳۱/۵۳	۱۴۶/۷۲±۳۰/۰۶	۰/۳۴۰	۷

به‌منظور پیگیری یافته‌های کمی از پژوهش کیفی استفاده شد. در گام اول فرآیند تحلیل از طریق غوطه‌وری در متن و شناسایی و استخراج مقوله‌های معنایی- قصدی از داده‌ها و مشاهده‌های بازتابشی پژوهشگر (کدگذاری باز) انجام شد (جدول ۳). بعد از انجام کدگذاری باز، شناسایی الگوهای اتصال معنایی (کدگذاری متمرکز) انجام شد (جدول ۴). بعد از انجام کدگذاری متمرکز، استخراج مفهوم‌های هسته‌ای (کدگذاری محوری) انجام شد (جدول ۵).

جدول ۳- نمونه‌هایی از کدگذاری باز

متن مصاحبه	کدگذاری باز
ارائه مطالب کسل‌کننده و روش‌های تدریس یکنواخت و تنوع نداشتن شیوه تدریس (مثلاً فقط نمایش فیلم) توسط استاد زبان، باعث بی‌انگیزگی می‌شد. به نظرم استاد باید وقتی از یه روش استفاده می‌کنه به نحوه یادگیری تک‌تک دانشجویانش توجه کنه. استاد به این نکته توجه نمی‌کرد که یادگیری همه دانشجویان شبیه به هم نیست. مثلاً بعضی از دانشجویان ممکنه با تصویر بهتر یاد بگیرند. تعدادی هم ممکنه از طریق حس شنوایی یا لامسه بهتر یاد بگیرند. من خودم شخصاً از طریق حس شنوایی یاد می‌گیرم. استفاده محض از روش‌های تدریس سنتی مانند: حفظ، تکرار و سخنرانی باعث عدم برانگیختگی حس کنجکاوی دانشجویان در کلاس می‌شد. از طرفی علاقه استاد زبان و تعلق‌خاطر و اهمیت‌دادن به بعضی از دانشجویان، سطح انگیزه‌ها رو کاهش می‌داد.	ارائه روش‌های تدریس یکنواخت (نمایش فیلم) توسط استاد در کلاس و تأثیر آن در کاهش انگیزه عدم توجه به تفاوت‌هایی فردی، استفاده از روش‌های حفظ، تکرار و سخنرانی
یه حالت انگیزشی در کلاس مهیا نبود؛ یعنی، دانشجو در کلاس به اندازه فعالیتی که داشت، نتیجه نمی‌گرفت. بعضی از دوستانم در طول ترم فعالیتی نمی‌کردند و شب امتحان و فرجه‌ها درس می‌خوندند و این‌جوری معدلشون رو بالا می‌بردند. جو کلاس زبان طوری بود که رقابت ناسالم رو در بین دانشجویان تقویت می‌کرد. این باعث کاهش انگیزه می‌شد.	نتیجه نگرفتن به اندازه فعالیت در کلاس، رقابت ناسالم بین دانشجویان، اهمیت‌دادن به بعضی از دانشجویان
من سر کلاس زبان ترس داشتم که نکنه نوبت من بشه و استاد از من بخواد به انگلیسی صحبت کنم و نکنه که کلمات و جملات را اشتباه تلفظ کنم. هیچ انگیزه‌ای برای صحبت‌کردن در کلاس نداشتم. تأکید استاد بر نمره، اضطراب مرا افزایش می‌داد و مانع از توجه کامل به درس می‌شد. من با وجود تلاش زیاد، نمرات پایینی می‌گیرم. همین باعث می‌شه که مدام استرس و اضطراب داشته باشم و به‌تدریج رابطه بین تلاش و نتیجه رو نادیده بگیرم که درنهایت منجر به از دست دادن انگیزه‌ام شده.	ترس از کلاس زبان، تأکید استاد بر نمره، بی‌توجهی به درس، استرس مداوم، ترس از صحبت‌کردن به زبان انگلیسی در کلاس و تأثیر منفی آن در بی‌انگیزه‌شدن دانشجو
من خودم یه فرد درون‌گرا، کمرو و مضطرب هستم که تمایلی به ابراز وجود ندارم. استاد می‌تونست به افرادی مثل من در کلاس توجه کنه و با تقویت رفتارهای مثبت، ما رو به مشارکت در بحث‌های کلاسی و کار گروهی تشویق کنه که متأسفانه این کار رو نکرد که این عامل باعث بی‌انگیزگی در من شده. بی‌توجهی استاد به علاقه، رغبت و استعداد دانشجویان در کلاس باعث بی‌انگیزگی می‌شد.	عدم توجه استاد به دانشجویانی که تمایلی به ابراز وجود ندارند؛ عدم تشویق دانشجویان به مشارکت در بحث کلاسی و کار گروهی)
استاد ما را به انجام تکالیفی که سطح دشواری‌شان خارج آر توانایی‌مان بود مجبور می‌ساخت که این باعث از دست دادن حس اعتمادبه‌نفس و انگیزش من درنتیجه شکست در حل مسائل و تکالیف می‌شد. متن کتابی که به ما معرفی کردند خیلی سخت و مشکله. چون همیشه استاد تکلیف می‌گه و من احساس می‌کنم که یک حالت اجباری داره و همین باعث می‌شه که من بی‌انگیزه بشم و کمتر درس بخونم.	مجبور ساختن به ارائه تکالیف دشوار در کلاس و از دست‌دادن اعتمادبه‌نفس و انگیزش، تکالیف اجباری، عدم تناسب تکالیف با توانایی دانشجو
تعداد جلسات درس زبان زیاد نبود و چون تعداد دانشجوها در کلاس خیلی زیاد بودند و کلاس خیلی شلوغ بود، فرصت به همه ما نمی‌رسید که صحبت کنیم. تعداد دانشجویان در کلاس زبان خیلی زیاد بودند و ساعت کلاس هم کم بود و جوری بود که من از صبح تا شب کلاس داشتم. ساعت کلاس زبان ۶ تا ۸ عصر بود و سر کلاس زبان عملاً من خواب بودم.	زیاد بودن دانشجویان و شلوغی کلاس، کم‌بودن ساعت کلاس زبان، نامناسب‌بودن ساعت کلاس زبان، کمبود وقت
به نظر من توانمند شدن در درس زبان انگلیسی به دلیل اینکه درس زبان واقعاً درس مشکلی هست، خیلی زمان‌بر است و نه‌تنها من بلکه هیچ دانشجوی دیگری هم در طول یک ترم آن هم با گذراندن سه واحد زبان عمومی نمی‌تواند به توانمندی لازم و کافی برسد. استاد همیشه در کلاس مطالب کلی را مطرح می‌کند و این خود دانشجو است که باید علاقه و انگیزه داشته باشد که شخصاً بتواند یاد بگیرد و توانمند و خودکارآمد شود. هر چه تلاش می‌کنم، نمی‌توانم لغات را حفظ کنم. باو جود اینکه زمان زیادی را به یادگیری لغات اختصاص می‌دهم، ولی بعد از چند روز اکثر لغات را فراموش می‌کنم. از نظر من گرامر و دستور زبان هم فوق‌العاده مشکل است.	مشکل‌بودن درس زبان عدم موفقیت در درس زبان، زمان‌بر بودن یادگیری زبان، سختی گرامر و دستور زبان، فراموش‌کردن لغات
من همیشه زبان را درس مشکلی تصور می‌کردم که باید آن را امتحان بدم و به همین دلیل هرگز فرصت استفاده از آن را به صورتی نیافتم که از آن لذت ببرم و در آن توانمند بشوم. من فقط یک متن رو خوندم و امتحان دادم و خیلی احساس خودکارآمدی نمی‌کنم. به نظر من یادگیری درس زبان خیلی خسته‌کننده است. هر چه تلاش می‌کنم نمی‌توانم به آن علاقه‌مند شوم.	لذت‌نبردن از درس زبان، عدم علاقه به یادگیری زبان انگلیسی، کسالت‌آور بودن کلاس زبان

جدول ۴- نمونه‌هایی از کدگذاری متمرکز

کدگذاری باز	کدگذاری متمرکز
ارائه روش‌های تدریس یکنواخت (نمایش فیلم) توسط استاد در کلاس و تأثیر آن در کاهش انگیزه، عدم توجه به تفاوت‌های فردی، استفاده از روش‌های حفظ، تکرار و سخنرانی	روش‌های تدریس سنتی
نتیجه نگرفتن به‌اندازه فعالیت در کلاس، تقویت رقابت ناسالم بین دانشجویان، اهمیت دادن به بعضی از دانشجویان	ارزشیابی نامناسب
ترس از کلاس زبان، تأکید استاد بر نمره، بی‌توجهی به درس استرس مداوم، ترس از صحبت‌کردن به زبان انگلیسی در کلاس و تأثیر منفی آن در بی‌انگیزه‌شدن دانشجو	اضطراب
عدم توجه استاد به دانشجویانی که تمایلی به ابراز وجود ندارند، عدم تشویق دانشجویان به مشارکت در بحث کلاسی و کار گروهی، عدم توجه استاد به علاقه، رغبت و استعداد دانشجویان	عدم توجه استاد به دانشجویان و عدم مشارکت دادن دانشجویان در کلاس
مجبور ساختن به ارائه تکالیف دشوار در کلاس و از دست دادن اعتماد به نفس و انگیزش، تکالیف اجباری، عدم تناسب تکالیف با توانایی دانشجو	سخت‌گیری بیش از حدّ استاد و تکالیف اجباری
زیاد بودن دانشجویان و شلوغی کلاس، کم‌بودن ساعت کلاس، نامناسب بودن ساعت کلاس زبان، کمبود وقت	ساعات ناکافی تدریس درس زبان
مشکل‌بودن درس زبان، عدم موفقیت در درس زبان، زمان‌بر بودن یادگیری زبان، سختی گرامر و دستور زبان، فراموش‌کردن لغات	دشواری ذاتی یادگیری زبان خارجی
لذت‌نبردن از درس زبان، عدم علاقه به یادگیری زبان انگلیسی، کسالت‌آور بودن کلاس زبان	نگرش منفی دانشجو نسبت به درس زبان

جدول ۵- کدگذاری محوری

کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری
تدریس سنتی، عدم پویایی در تدریس، عدم رعایت نظم منطقی محتوا، عدم ارتباط موضوع درس با کاربرد آن، عدم تناسب تدریس با محتوا، تدریس نامتناسب با سطح کلاس، ارائه مطالب کسل‌کننده و روش‌های تدریس یکنواخت و تنوع نداشتن سبک تدریس، وجود ضعف در روش‌های تدریس و تکیه بر محفوظات، جزوه‌وار گفتن مطالب در کلاس، استفاده نکردن از روش‌های مختلف تدریس، تغییر ندادن روش تدریس	تدریس بی‌کیفیت
ارزشیابی نامناسب و ناعادلانه، نظارت نکردن بر کار گروهی	نظارت و ارزشیابی
تعداد زیاد دانشجویان، ساعت کلاس، ساعات ناکافی تدریس درس زبان	برنامه‌ریزی آموزشی
عدم توجه استاد به دانشجویان و عدم مشارکت‌دادن دانشجویان در کلاس، عدم تشویق دانشجویان به کار گروهی	تقویت یادگیری فردی
دشواری ذاتی یادگیری زبان خارجی، نگرش منفی دانشجو نسبت به درس زبان	تصور نادرست از درس زبان

دانشجویان علل عدم بهبود انگیزش نسبت به زبان انگلیسی را در طول گذراندن درس زبان عمومی به ترتیب اهمیت (فراوانی)، به شرح ارائه‌شده در جدول ۶ بیان داشتند. تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه نشان داد که دانشجویان، مهم‌ترین عامل عدم بهبود انگیزش زبان انگلیسی خود را در طول گذراندن درس زبان عمومی، تدریس سنتی عنوان نمودند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ این‌گونه بیان داشت که: «واحدهایی که برامون ارائه می‌شه، بیشتر متون انگلیسی است؛ بنابراین مجبورم که انگلیسی را یاد بگیرم. به نظرم روش تدریس خیلی مهمه. استاد در کلاس زبان فقط به

یک جزوه اکتفا می‌کرد و به دانشجوها می‌گفت که اون رو تهیه کنن و فقط از روی اون توضیح می‌داد. این‌طوری هیچ تأثیری در انگیزش من نداشت». مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ نیز این‌گونه بیان داشت که: «استاد در کلاس یه‌سری مطالب رو جزوه‌وار میگه و یه‌سری مطالب رو به حالت اسلاید تدریس می‌کنه و دانشجو در کلاس فعال نیست». مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ این‌گونه بیان داشت که: «استفاده محض از روش‌های تدریس سنتی مانند: حفظ، تکرار و سخنرانی باعث عدم برانگیختگی حس کنجکاوی دانشجویان در کلاس و باعث بی‌انگیزشی می‌شد».

جدول ۶- دلایل عدم انگیزش طی کلاس

دلایل عدم انگیزش طی کلاس
تدریس سنتی
ارزشیابی نامناسب
اضطراب
عدم توجه استاد به دانشجویان و عدم مشارکت دادن دانشجویان در کلاس
سخت‌گیری بیش‌ازحد استاد و تکالیف اجباری
محیط نامناسب کلاس (شلوغی، زمان کم، ناهمگونی مهارت‌ها)

در درجه دوم عاملی که باعث عدم انگیزش دانشجویان شده بود، ارزشیابی نامناسب استاد بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ این‌گونه بیان داشت: «یه حالت انگیزشی در کلاس مهیا نبود؛ یعنی، دانشجو در کلاس به‌اندازه فعالیتی که داشت، نتیجه نمی‌گرفت. برعکس بعضی از دوستانم در طول ترم فعالیتی نمی‌کردن و شب امتحان و فرجه‌ها درس می‌خوندند و این‌جوری معدلشون رو بالا می‌بردند». مصاحبه‌شونده شماره ۲۷ این‌گونه بیان داشت که: «گرفتن نمره کم در امتحانی که استاد قبلاً محتوای آن را آموزش نداده بود و همچنین بی‌توجهی استاد به تلاش و کوشش دانشجو، باعث کاهش انگیزه‌ام می‌شد».

یکی دیگر از عواملی که باعث عدم انگیزش دانشجویان شده بود، داشتن اضطراب و استرس بود. مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ این‌گونه بیان داشت که: «من سر کلاس زبان، ترس داشتم که نکنه نوبت من بشه و استاد از من بخواد به انگلیسی صحبت کنم و نکنه که کلمات و جملات را اشتباه تلفظ کنم و انگیزه به صحبت‌کردن در کلاس نداشتم». مصاحبه‌شونده شماره ۲۳ این‌گونه بیان داشت: «تأکید استاد بر نمره، اضطراب مرا افزایش می‌داد و مانع از توجه کامل به درس می‌شد. من با وجود تلاش زیاد از نمرات پایینی برخوردارم. همین باعث می‌شه که مدام استرس و اضطراب داشته باشم و به‌تدریج رابطه بین تلاش و نتیجه رو نادیده بگیرم که درنهایت منجر به از دست دادن و کاهش انگیزه‌ام شده».

یکی دیگر از عواملی که باعث عدم انگیزش دانشجویان شده بود، عدم توجه استاد به دانشجویان و عدم مشارکت دادن آن‌ها در کلاس بود. مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ این‌گونه بیان داشت که: «من خودم یه فرد درون‌گرا، کمرو و مضطرب هستم که تمایلی به ابراز وجود ندارم. استاد می‌تونست به افرادی مثل من در کلاس توجه کنه و با تقویت رفتارهای مثبت، ما رو به مشارکت در بحث‌های کلاسی و کار گروهی تشویق کنه که متأسفانه این کار رو نکرد که این باعث بی‌انگیزگی در من شده». همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ در این خصوص اظهار داشتند: «بی‌توجهی استاد به علاقه، رغبت و استعداد دانشجویان در کلاس باعث بی‌انگیزگی می‌شد».

یکی دیگر از عواملی که باعث عدم انگیزش دانشجویان شده بود، سخت‌گیری بیش از حدّ استاد و تکالیف اجباری بود. مصاحبه‌شونده شماره ۲۶ این‌گونه بیان داشت که: «استاد ما را به انجام تکالیفی که سطح دشواری‌شان خارج از توانایی‌مان بود، مجبور می‌ساخت که این باعث از دست‌دادن حس اعتماد به نفس و انگیزش من درنتیجه شکست در حل مسائل و تکالیف می‌شد».

محیط نامناسب کلاس یکی دیگر از عواملی بود که باعث عدم انگیزش دانشجویان شده بود. مصاحبه‌شونده شماره

۸ این‌گونه بیان داشت که: «از اول علاقه و انگیزه‌ای به یادگیری زبان نداشتم و سر کلاس هم استاد کار خاصی نکرده که من ترغیب بشوم و انگیزه‌ام بالا بره. تعداد دانشجویان در کلاس خیلی زیاد بودند و ساعت و تایم کلاس هم کم بود و یه‌طوری بود که من از صبح تا شب کلاس داشتم. ساعت کلاس زبان ساعت ۶ عصر بود. سر کلاس زبان عملاً من خواب بودم. یک کتاب سطح پایین که در سطح دبیرستان بود رو کار کردیم که بیشتر ردینگ بود». مصاحبه‌شونده شماره ۹ این‌گونه بیان داشت که: «تعداد جلسات درس زبان زیاد نبود و چون تعداد دانشجوها در کلاس خیلی زیاد بودند و کلاس خیلی شلوغ بود، فرصت به همه ما نمی‌رسید که صحبت کنیم».

دانشجویان علل عدم افزایش خودکارآمدی زبان انگلیسی را به ترتیب اهمیت (فراوانی) به شرح ذیل بیان داشتند (جدول ۷).

جدول ۷- دلایل عدم افزایش خودکارآمدی طی کلاس

دلیل عدم افزایش خودکارآمدی طی کلاس
ساعات ناکافی تدریس درس زبان
دشواری ذاتی یادگیری زبان خارجی
نگرش منفی دانشجو نسبت به درس زبان
عدم توجه به روش‌های مختلف یادگیری دانشجویان

تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه نشان داد که دانشجویان مهم‌ترین عامل عدم بهبود خودکارآمدی زبان انگلیسی خود را در طول گذراندن درس زبان عمومی، ساعت ناکافی درس عنوان نمودند. مصاحبه‌شونده شماره ۸ این‌گونه بیان داشت که: «تعداد دانشجویان در کلاس زبان خیلی زیاد بودند و ساعت و تایم کلاس هم کم بود و جوری بود که من از صبح تا شب کلاس داشتم. ساعت کلاس زبان ۶ تا ۸ عصر بود و سر کلاس زبان عملاً من خواب بودم».

از نظر دانشجویان، دشواری ذاتی یادگیری زبان انگلیسی دومین عامل عدم بهبود خودکارآمدی زبان انگلیسی آنان در طول دوره گذراندن درس مذکور است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ این‌گونه بیان داشت که: «به نظر من توانمندشدن در درس زبان انگلیسی به دلیل اینکه درس زبان واقعاً درس مشکلی هست، خیلی زمان‌بر است و نه‌تنها من بلکه هیچ دانشجوی دیگری هم در طول یک‌ترم آن هم با گذراندن سه واحد زبان عمومی نمی‌تواند به توانمندی لازم و کافی برسد. استاد همیشه در کلاس مطالب کلی را مطرح می‌کند و این خود دانشجو است که باید علاقه و انگیزه داشته باشد که شخصاً بتواند یاد بگیرد و توانمند و خودکارآمد شود». همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ بیان داشت که: «زبان درس مشکلی است و من همیشه از درس زبان انگلیسی می‌ترسم. هر چه تلاش کنم، موفق نخواهم شد و به خودکارآمدی و توانمندی لازم نمی‌رسم».

دانشجویان بر این باور بودند که یکی دیگر از دلایل عدم بهبود خودکارآمدی زبان انگلیسی آنان در طول دوره گذراندن درس مذکور، نگرش منفی آنان نسبت به درس زبان است. مصاحبه‌شونده شماره ۲۷ این‌گونه بیان داشت که: «من همیشه زبان را درس مشکلی تصور می‌کردم که باید آن را امتحان بدم و به همین دلیل هرگز فرصت استفاده از آن را به صورتی نیافتم که از آن لذت ببرم و در آن توانمند بشوم. من فقط یک متن رو خوندم و امتحان دادم و خیلی احساس خودکارآمدی نمی‌کنم».

یکی دیگر از دلایل عدم بهبود خودکارآمدی زبان انگلیسی دانشجویان در طول دوره گذراندن زبان عدم توجه استاد به روش‌های مختلف یادگیری دانشجویان بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ این‌گونه بیان داشت که: «استاد در کلاس برای همه دانشجویان تکالیف مشابه در نظر می‌گرفت و به تفاوت‌های فردی ما توجهی نداشت».

بحث

در تحلیل فرضیه اول، در بررسی مؤلفه‌های انگیزش- نگرش زبان انگلیسی قبل و بعد از گذراندن درس، تفاوت

معنی‌داری به لحاظ آماری مشاهده نشد. دانشجویان مهم‌ترین عامل عدم انگیزه در زبان انگلیسی را تدریس سنّتی، بیان کردند. پژوهش‌ها نشان داده است، استفاده از الگوها و روش‌های تدریس نامناسب، ناتوانی دبیران در استفاده از روش‌های جدید و مدرن آموزش زبان انگلیسی، استفاده از متون و محتوای نامأنوس در زبان انگلیسی (۱۸) و عدم تسلط اساتید به روش‌های نوین تدریس (۱۱)، از عوامل آسیب‌زای نظام آموزشی زبان انگلیسی در ایران است. درواقع به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس موجب افزایش انگیزش، رشد مهارت‌ها و یادگیری بهتر یادگیرندگان می‌شود (۱۱).

دانشجویان در درجه دوم، ارزشیابی نامناسب را از دلایل عدم انگیزه در درس زبان انگلیسی برشمردند. این یافته با نتایج مطالعه غلامی و همکاران (۱۳۹۶) که نشان دادند، رویکردهای ارزشیابی غیرمعقول برنامه آموزش زبان انگلیسی یکی از عوامل آسیب‌زای نظام آموزشی زبان انگلیسی در ایران است (۱۸) و نتایج پژوهش سعدی‌پور (۱۳۹۱) و غلامی و همکاران (۱۳۹۵) که نشان دادند در میان علل ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی، مؤلّفه شیوه ارزشیابی از بیشترین ناکارآمدی برخوردار است، مطابقت دارد (۱۲، ۱۸). از آنجا که شیوه ارزشیابی زبان انگلیسی از نوع نوشتاری است، دانشجویان نسبت به جنبه گفتاری و شنیداری زبان احساس نیاز نمی‌کنند و بیشتر وقت خود را صرف جنبه نوشتاری و پاسخ به سؤالات تستی می‌کنند (۱۹)؛ بنابراین برای رفع این مشکل بهتر است در ارزشیابی درس زبان انگلیسی، علاوه بر ارزشیابی مهارت‌های نوشتاری به ارزشیابی مهارت‌های گفتاری و شنیداری دانشجویان نیز اقدام شود.

دانشجویان یکی دیگر از علل عدم انگیزه در زبان انگلیسی را اضطراب بیان کردند. اضطراب، پیش‌بینی‌کننده عملکرد تحصیلی است و در مهارت‌های سه‌گانه زبان (خواندن، نوشتن و شنیدن) تأثیر منفی دارد (۲۰) که می‌تواند مانع دستیابی یادگیرندگان به سطح بالای مهارت در زبان خارجی شود (۲۱). دانشجویانی که از ارزیابی منفی در کلاس‌های زبان خارجی می‌ترسند، تمایل بیشتری به نشستن منفعلانه در کلاس درس داشته و در فعالیت‌های کلاسی شرکت نمی‌کنند؛ چون از خطا کردن و مورد تمسخر واقع‌شدن در کلاس درس درهراسند (۲۰). بنا به نظر Macintyre (۱۹۸۹)، برای بسیاری از دانشجویان درس زبان انگلیسی اضطراب‌انگیزترین درس محسوب می‌شود (۲۲). به اعتقاد مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، اضطراب زبان خارجی مشکلی نیست که دانشجویان بتوانند به‌تنهایی از عهده آن برآیند و در کلاس زبان، اجتناب نیز راه‌حل قابل قبولی نیست؛ بلکه باید برای بهبود فرآیند یادگیری همه یادگیرندگان، مدرسان زبان از همه موقعیت‌های اضطراب‌زا آگاه بوده و اقدامات لازم برای کاهش اثرات منفی آن انجام دهند. بدین منظور بهتر است، معلمان زبان انگلیسی از روش‌های تشویقی به‌خصوص (تشویق کلامی)، ایجاد کارگروهی سالم مبتنی بر همکاری استفاده کنند (۲۰).

همان‌طور که گفته شد، مصاحبه با دانشجویان نشان داد، از دیدگاه دانشجویان، مهم‌ترین عواملی که مانع بهبود انگیزش- نگرش درس زبان انگلیسی هستند، به روش تدریس استاد ارتباط دارند. متأسفانه چون در این پژوهش، شیوه تدریس با ملاکی سنجیده نشده است، نمی‌توان نظرات دانشجویان را با مقیاسی منطقی سنجید؛ اما همین که اغلب دانشجویان نسبت به روش تدریس و ارزشیابی انتقاد داشتند، حداقل گویای آن است که مدرس در ارائه مطالب دچار کاستی بوده و نتوانسته است نقش خود را به‌طور مناسب ایفا کند. Slater (۲۰۰۱) بر این باور است که اساتید بیشتر گرایش دارند در تدریس از روش‌هایی استفاده کنند که خودشان از طریق آن زبان را یاد گرفته‌اند؛ درصورتی‌که باید با توجه به هدف‌های آموزشی و ویژگی‌های یادگیرندگان از روش‌های مناسب تدریس استفاده نمایند. همچنین اساتید باید بتوانند انگلیسی را به بیانی شیوا و فصیح صحبت کنند؛ چرا که هر چه اساتید از دانش زبانی بیشتری برخوردار باشند، دانشجویان انگیزه بیشتری برای یادگیری زبان انگلیسی

خواهند داشت (۱۹).

در مورد فرضیه دوم پژوهش در بررسی خودکارآمدی آموزش زبان انگلیسی قبل و بعد از گذراندن درس، تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری مشاهده نشد. دانشجویان مهم‌ترین عامل عدم افزایش خودکارآمدی را ساعات ناکافی درس زبان عنوان کردند. نتایج مطالعه غلامی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، کم‌بودن تعداد ساعات آموزش زبان انگلیسی از عوامل آسیب‌زای نظام آموزشی زبان انگلیسی در ایران است که شرایط غیراستاندارد آموزش، مشکلات ناشی از این کمبود وقت را تشدید می‌کند (۱۸). حقی (۱۳۸۰) نیز معتقد است، عدم تناسب حجم کتاب زبان انگلیسی با ساعات هفتگی، یکی از دلایل ناکارآمدی زبان انگلیسی است (۱۱). نتایج مطالعه جمالی پاقلعه (۱۳۷۸) نیز نشان داد، اختصاص سه یا چهار ساعت در هفته برای آموزش زبان کافی نیست. کمبود زمان موجب می‌شود تا اساتید نتوانند از روش‌های مختلف تدریس استفاده کنند. افزایش تعداد دانشجویان در کلاس درس نیز بحث کمبود وقت را تشدید می‌کند. نتایج تحقیقات نشان داده است، دانشجویان در کلاس‌های پرجمعیت وقت کمتری برای یادگیری دارند و از تفکر شناختی پایین‌تری برخوردارند (۱۹)؛ بنابراین باید سعی شود، از تراکم دانشجویان در کلاس درس کاسته و مدت‌زمان کافی برای یادگیری درس زبان انگلیسی اختصاص داده شود تا همه یادگیرندگان بتوانند به نتایج موردنظر دست یابند.

دانشجویان یکی دیگر از علل عدم افزایش خودکارآمدی، دشواری ذاتی یادگیری زبان خارجی را ذکر کردند. نتایج مطالعه شفیعی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، تصور سخت‌بودن یادگیری زبان یکی از عقاید نادرست در زمینه زبان انگلیسی در بین دانش‌آموزان است (۲۳). به اعتقاد Young (۲۰۱۴) مشکل بودن دستور زبان، مشکل‌بودن یادگیری لغت و عدم صحبت‌کردن به زبان مورد آموزش در جامعه، از دلایل اصلی سختی زبان خارجی است (۲۳). از آنجا که در ایران نیز زبان انگلیسی، زبان مورد آموزش جامعه نیست، از نظر دانشجویان یادگیری زبان انگلیسی دشوار است.

نتیجه‌گیری

یادگیری زبان انگلیسی موضوعی است که از اهمیت بسیاری برخوردار است و در بسیاری ازکشورها این موضوع بخش مهمی از امکانات آموزشی را به خود اختصاص داده است. درکشور ما نیز مسئله یادگیری زبان انگلیسی از اهمیت زیادی برخوردار است. ما شاهد هستیم که امروزه هزاران دانشجو پس از آنکه صدها ساعت را در زیر سقف کلاس‌های زبان انگلیسی سپری کرده‌اند، باز هم در یادگیری زبان به سطح مطلوبی دست نیافته‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که روند کنونی آموزش زبان انگلیسی منتج به بهبود انگیزش- نگرش و خودکارآمدی به زبان انگلیسی نمی‌گردد و به اعتقاد شرکت‌کنندگان در پژوهش؛ تدریس سنتی، ارزشیابی نامناسب، عدم مشارکت دانشجویان در کلاس، اضطراب و عدم اختصاص ساعات کافی به درس زبان، از عواملی است که باعث عدم بهبود انگیزش- نگرش و خودکارآمدی دانشجویان به درس زبان انگلیسی عمومی می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که دست‌اندرکاران مربوطه و اساتید نسبت به جایگزینی روش‌های جدید تدریس، ارزشیابی متناسب با درس، توجه به تعامل دانشجویان در کلاس درس و اختصاص ساعات کافی به درس زبان، اقدام نمایند.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، کوتاه‌بودن زمان اجرای آن بود که در یک ترم تحصیلی اجرا گردید. به نظر می‌رسد با اختصاص زمان بیشتر ممکن بود نتایج متفاوت کسب شود. همچنین نداشتن گروه کنترل، محدودیت دیگر این پژوهش بود که مقایسه نتایج به‌دست‌آمده از آموزش زبان انگلیسی با گروه کنترل می‌توانست به یافته‌های پژوهش کمک کند.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم‌تربیتی و روانشناسی دانشگاه بیرجند بوده است. نویسندگان این مقاله، از تمامی دانشجویان و استادان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند که در این پژوهش همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع:

1- Al Rifai N. Attitude, motivation, and difficulties involved in learning the English language and factors that affect motivation in learning it. Procedia Soc Behav Sci. 2010; 2(2): 5216-27.

2- Ayati, M., Sarani, H. The Impact of Teaching Students through Mobile Phone on Students' Motivation and their Attitudes towards English Learning. Journal of Technology of Education. 2012; 7(1): 13-21. [Persian]

3- Gardner RC, Tremblay PF. On Motivation: Measurement and Conceptual Considerations. The Modern Language Journal. 1994; 78(4): 524-7.

4- Shirbagi N, Azizi N. Orientations and Attitude of Iranian University Students' to English Language Acquisition. Iranian Higher Education. 2010; 3(1): 79-101. [Persian]

5- Gardner RC, Lambert WE. Attitudes and Motivation in Second Language Learning. Newbury House: Rowley Mass; 1974.

6- Galloway D, Leo EL, Rogers C, Armstrong D. Maladaptive motivational style: the role of domain specific task demand in English and mathematics. Br J Educ Psychol. 1996; 2(66): 197-207.

7- Bandura A. Perceived self-efficacy in cognitive development and functional. Educational Psychology. 1993; 28(2): 117-48.

8- Pajares F. Gender and perceived self-efficacy in self-regulated learning. Theor Pract. 2002; 41(2): 116-25.

9- Chou CT. A Study on the Effectiveness of Applying "Readers' Theater" as English Remedial Instruction for Underachievers. Taiwan Journal of TESOL. 2013; 10(1): 77-103.

10- Kalantari R, Gholami J. Identification and Prioritization of Factors Related to English Language Education in Schools. Quarterly Journal of Educational Innovations. 2013; 12(46): 99-124. [Persian]

11- Alipour V, Bakan S, Moradi R. The Qualitative Analysis of English Learning in Secondary School English Language Curriculum Based on Wayne Stein and Faint Straw Model. Quarterly Educational Psychology. 2017; 12(42); 129-54. [Persian]

12- Sadipoor A. Survey the Causes of Inefficiency in Teaching English from the Viewpoint of Teachers in Shiraz. [dissertation]. Shiraz: Shiraz university; 2012. [Persian]

13- Wang C, Kim DH, Bai R, Hu J. Psychometric properties of a self-efficacy scale for English language learners in China. System. 2014; 44: 24-33.

14- Rezaei Sharif A, Ebrahimkhani MR, Mohamadi V. Psychometric Properties of Self-Efficacy Scale for English Language Learners. Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning. 2018; 5(8): 83-102. [Persian]

15- Gardner RC. Social Psychology and Second Language Learning. London: Edward Arnold; 1985.

16- Dordi-nezhad F. Construction, Validation and Reliability of the Foreign Language Attitude and Motivation Questionnaire. Language Related Research (Jastarhaye Zabani). 2015; 6(2): 107-28. [Persian]

17- Mirzaei Kh. Qualitative Researching (Research, Researching & Writing). Tehran: Fuzhan; 2016. Vol 2. pp: 1193-204.

18- Gholami F, Arefi M, Fathi Vajargah K, Abolghasemi M. Challenges of Teaching English in Iran's Educational System: The Educational Managers' and English Teachers' Views. J Manag Syst; 2017; 8(30): 161-94. [Persian]

19- Jamali Paghale M. [Students and their inability to speak English]. Growth and Teaching. 2008; 22(2): 7-4. [Persian]

20- Mahdinejad Gorji G, Rezaei AM, Aminbeidokhti AA, Mohammadyfar MA. Predicting Students' Academic Performance: The Role of Anxiety in Triple Skills (Reading , Listening and Writing) of English language Teaching. Educational Development of Jundishapur. 2017; 8(Supplement): 10-9. [Persian]

21- Scovel T. The effect of affect on foreign language learning: A review of the anxiety research. Lang Learn. 1978; 28(1): 129-42.

22- MacIntyre PD. How does anxiety affect second language learning? A reply to spark & Ganschow. The Modern Language Journal. 1995; 79(1): 90-9.

23- Shafeie S, Mozaffaripour R, Nushi M. A Phenomenological Study of views of High-School Students' with multiple intellingence on English Language and its Learning. Advances in Cognitive Science. 2016; 19(3): 83-95. [Persian]